

The Critical Survey of the Book *Towards a New Eloquence by Khalil Kafouri*

Azadeh Heiydari^{*}, Effat Mardani^{}**

Mohammad Khaqanilsfahani^{*}**

Abstract

The first sparks of eloquent science among Muslims must be sought in the fourth and fifth centuries of the Hegira that they are rooted in Greek philosophy and subjectivity, and were affected by Aristotle and Plato thoughts. Time passing and development in all the branches, for eloquent science like the other sciences, made the necessity for a new approach that caused new eloquent theories tried to put traditional ones back.

The valuable writing, "Towards a new eloquence," by Khalil Kafouri is a book that talks about new eloquence and its relationship with other sciences. This book like all of human compilations has defects and inaccuracies which the critical survey of mentioned book and its level of success as a useful source in the domain of new eloquence are the reasons of writing this essay.

This survey shows that the author did not present an explicit definition of some terms in discussions about the relation between eloquence science and the other sciences, but the major part of this book's defects is in the area of author's language complexity to express the subject.

Keywords: critical study, eloquence, towards a new eloquence, Khalil Kafouri.

* Ph.D. Student in Arabic language and Literature, University of Isfahan

** Ph.D. Student in Arabic language and Literature, University of Isfahan

*** Professor Department of Arabic language and literature, University of Isfahan,
mohammadkhaqani@yahoo.com

Date received: 2020-06-21, Date of acceptance: 2020-08-22

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

تحلیل انتقادی کتاب مبانی بلاغت جدید در اندیشه خلیل کفوری

آزاده حیدری*

عفت مردانی**، محمد خاقانی اصفهانی***

چکیده

نخستین جرقه‌های علم بلاغت نزد مسلمانان را باید در قرن‌های چهارم و پنجم هجری قمری جست‌وجو کرد که در ذهنیت و فلسفه یونانی ریشه دارد. به مرور زمان و پیشرفت در تمامی زمینه‌ها در علم بلاغت نیز نیاز به رویکردی جدید سبب شد نظریه‌های بلاغت جدید در برابر بلاغت سنتی قد علم کنند. کتاب نحو بلاغه جدید از تألیفات خلیل کفوری با موضوع بلاغت جدید و ارتباط آن با سایر علوم است. این کتاب مانند همه تألیفات کاستی‌ها و نادرستی‌هایی دارد که بررسی انتقادی کتاب مزبور و میزان توفیق آن در حکم منبعی مفید در زمینه بلاغت جدید دست‌مایه نگارش این مقاله است. در این بررسی معلوم شد که مؤلف در مباحث مربوط به رابطه علم بلاغت با سایر علوم از برخی اصطلاحات تعریف واضحی ارائه نداده است، اما قسمت عمده کاستی‌های این کتاب پیچیدگی زبان مؤلف در تبیین موضوع است.

کلیدواژه‌ها: خوانش نقدی، بلاغت، نحو بلاغه جدید، خلیل کفوری.

۱. مقدمه

بلاغت پیشینه‌ای طولانی دارد و سال‌ها پیش از ظهور اسلام شاعران و خطیبان زبان عربی از آن بهره‌مند بودند، اما بنیاد اصلی دانش بلاغت پس از اسلام و مبتنی بر دفاع از هویت متن مقدس قرآن و حیطة معنانشناسی آن شکل گرفت و تاکنون نیز این علم در خدمت درک

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان، azadehhaydari95@gmail.com

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)، effatmardani@yahoo.com

*** استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان، m.khaqani@fhn.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۱

متون مقدس بوده است و به تدریج به شاخه علمی مستقل و گسترده‌ای تبدیل و وارد عرصه آموزش شد. بلاغت سنتی با فلسفه‌ای خاص به زبان و جهان می‌نگریست. این نگرش در ذهنیت کلاسیکی ریشه داشت و از فلسفه یونان متأثر می‌شد. در نتیجه، اصول و ریشه‌های آن نیز برپایه همان فلسفه بود. فتوحی می‌نویسد: «قائل شدن به دو قطب حقیقی و مجازی برای جهان و زبان، تمایز میان لفظ و معنی، باور به قطعیت معنی، ترجیح وضوح بر ابهام، محدودیت تخیل به قلمرو ادراک حسی، بنیاد ایدئولوژیک، و نوشتارمحوری از اصول بلاغت سنتی است» (فتوحی ۱۳۸۶). در قرن حاضر، غرب با خارج شدن از حوزه سنتی در اوج پیشرفت است و با نظریه‌پردازی‌های جدید به چهارچوب‌های نظام‌مند نوین می‌اندیشد. درحالی‌که شرق در قرن‌های اولیه پس از اسلام مانده است و مطالعات ادبی امروز در شرق جنبه تکمیلی دارد و فقط به ترجمه آرای جدید غرب بسنده کرده است. از جمله نظریه‌پردازان بلاغت غرب «برک» و «باختین» هستند. نخستین کار برک ضد بیانیه است که در سال ۱۹۳۱ م چاپ شد. وی می‌نویسد: «خواننده نثر مدرن درمقابل بلاغت موضع سختی می‌گیرد، اما غافل از آن‌که همین بلاغت است که تأثیر مطلوبی در خواننده یا شنونده دارد». از این رو، او نتیجه می‌گیرد که «ادبیات مؤثر چیزی جز بلاغت نیست». وی معتقد است تحلیل بلاغی باعث روشن شدن متن‌های ادبی و روابط انسانی می‌شود (هوچموت ۱۹۵۲: ۱۳۳). درحالی‌که عبدالقاهر جرجانی قرن‌ها قبل مفهوم جامع‌تری از بلاغت و زیبایی آن ارائه کرده و برای همه کلمات ارزش زیباشناختی خاصی در نظر نگرفته است، بلکه زیبایی کلمات را مرهون نحوه قرار گرفتن آن کنار هم می‌داند (مشرف ۱۳۸۶: ۴۰۵). امروزه چیزی که به نام بلاغت جدید در غرب رواج یافته میان بعد القایی و بعد کاربردی در تعاریف و تحلیل‌ها فاصله انداخته و خشکی آن را از بین برده است. بدین ترتیب، بلاغت غرب امپراتوری عظیمی از علوم انسانی و تخصص‌های علمی شده و به نظریه‌ای استدلال‌گر و برهان‌محور تبدیل شده و جای خود را میان کتب آموزشی دانشگاهی باز کرده است. نقد و بررسی کتب مذکور با محوریت بلاغت نوپا نه فقط به اغنای این حوزه مطالعاتی منجر می‌شود، بلکه دانشجویان و استادان را در این زمینه به مسیری درست رهنمون می‌کند و گامی مهم در تحقق اهداف آموزشی به‌شمار می‌آید.

از جمله آثار تألیف شده در زمینه بلاغت با رویکرد جدید کتاب *نحو بلاغه جدید* است که نویسنده در آن می‌خواهد تا مشکلات مربوط به حیطه بلاغت سنتی را مرتفع کند و با آمیختن تئوری و عمل و بهره‌گیری از یافته‌های علمی غرب در شاخه‌های گوناگون علمی و تجربیات میدانی خویش نظریه و چهارچوبی ارائه دهد که بخشی از مشکلات در حوزه

آموزش بلاغت عربی برای عرب‌زبانان و غیرعرب‌زبانان را برطرف کند. برای رسیدن به بهره‌وری مطلوب در آموزش کتاب حاضر و افزایش کارایی و اثربخشی آن لازم است این کتاب با استفاده از شیوه‌های درست نقد و ارزیابی شود. بنابر اطلاع نویسندگان این مقاله، درباب کتاب مذکور به‌طور عام و نقد آن به‌طور خاص پژوهشی مستقل و آکادمیک انجام نشده است، بنابراین پژوهش حاضر در نوع خود جدید است. مقاله پیش‌رو با هدف معرفی کتاب *نحو بلاغت جدید* و با رویکرد توصیفی - تحلیلی این اثر را در چهارچوب نظریه و رویکرد مطرح در آن بررسی و ارزیابی می‌کند. به دیگر سخن، نویسندگان پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال‌اند که کتاب مذکور تا چه میزان اصول ساختاری و محتوایی اثر علمی مطلوب را لحاظ کرده و تا چه میزان با برنامه درسی دانشگاهی تناسب دارد و کارآمد است؟

۱.۱ پیشنهاد

مطالعه و بررسی کتاب‌های بلاغت در زمینه‌های آموزشی و پژوهشی برای بسیاری از رشته‌های علوم انسانی اهمیت فراوانی دارد. در نتیجه، بررسی نقادانه این آثار و پی‌بردن به نقاط ضعف و قوت این تألیفات به غنی کردن این حوزه می‌انجامد. در زمینه نقد کتب بلاغی تا امروز نشریه پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی در راه رسیدن به این هدف و معرفی کتاب‌های مهم در زمینه منابع اصلی دروس دانشگاهی گام‌های مهمی برداشته است. در این زمینه پژوهش‌های بسیاری انجام شده که فقط به ذکر چند مورد اکتفا می‌کنیم.

مقاله «قراءة نقدية في كتاب دروس في البلاغة العربية، نحو رؤية جديدة» از نادیا دادپور و محمد خاقانی اصفهانی (۱۳۹۷) است. در این مقاله نویسندگان این کتاب و نقاط قوت و ضعف آن را به‌منظور قرارگرفتن در برنامه درسی دانشگاهی بحث و بررسی انتقادی کرده‌اند. مقاله «نقد و بررسی کتاب البلاغة والتحليل» از نصرالله شاملی و مرضیه‌سادات کدخدایی (۱۳۹۸) نقاط قوت و ضعف این کتاب را، که به‌منظور تدریس در مقطع کارشناسی و ارشد انتخاب شده است، بررسی کرده‌اند و اشاره شده است که با کمی تغییر در محتوای درسی و تمرینات می‌توان به اصلاح کتاب کمک کرد. مقاله «ارزیابی و نقد کتاب علوم البلاغة عند العرب والفرس» از یحیی عطائی (۱۳۹۷)، مقاله «تحليل انتقادی کتاب فلسفة البلاغة بين التقنيّة والتطور» از محمد رحیمی و محمد خاقانی اصفهانی (۱۳۹۷)، مقاله «نقد کتاب بلاغت ۱» از علی‌رضا شعبانلو (۱۳۹۷)، و کتاب‌های بلاغی بسیار دیگری نقد و بررسی شده‌اند.

باتوجه به بررسی‌های فوق، نحو بلاغه جدیده در حوزه بلاغت شایسته بررسی و پژوهش است.

۲. نقد و ارزیابی کتاب

۱.۲ تحلیل ساختار ظاهری

۱.۱.۲ معرفی شکلی اثر

کتاب نحو بلاغه جدیده از انتشارات نداف در سال ۱۹۹۴ م در ۲۴۸ صفحه چاپ شده است. جلد کتاب ترکیب آبی و سفید و خط‌های خاکستری و اریب در سمت چپ است. در سمت راست کتاب و به شکل پلکانی ابتدا اسم کتاب و نام نویسنده و بعد اسم انتشارات با رنگ قرمز نوشته شده است.

۲.۱.۲ نقد و تحلیل کمی، نگارشی، و ویرایشی اثر

حروف چینی کتاب مورد بررسی بسیار خوب است. هر صفحه ۲۸ سطر دارد و فاصله سطور از کناره‌ها تقریباً مناسب است. برگه‌های کتاب بسیار مناسب است و چشم خواننده را آزار نمی‌دهد. فصل‌بندی در کتاب رعایت شده است. پاراگراف‌بندی مناسب مطالب فرصت تأمل را به خواننده می‌دهد و از ملال چشم می‌کاهد. در ضمن چینش مطالب، عددگذاری‌ها، برجسته‌سازی عناوین و گاه نکات مهم از ویژگی‌های بارز این اثر است. قواعد عمومی نگارش در کتاب تاحدزیادی رعایت شده است و به فراخور متن دیده می‌شود. خط‌های چاپی تاحدودی زیاد است که شامل جانداختن حروف یا چاپ‌نشدن آنهاست و همین امر در شکل ظاهری اثر بسیار تأثیرگذار است. در آخر همین مبحث به تعدادی از آن‌ها اشاره شده، اما به دلیل اطاله مطلب همه آن‌ها ذکر نشده است. اطلاعات مربوط به شناسنامه کتاب کافی نیست و فاقد جزئیات مربوط به شماره چاپ، محل، و سال نشر است و این امر پژوهش‌گر را برای ارجاع جامع علمی با مشکل مواجه می‌کند (در پژوهش حاضر سال نشر از اینترنت دریافت شده است).

جلد کتاب از نظر ظاهر الهام‌بخش محتوای بلاغی کتاب نیست و در ذهن طرحی نو در نمی‌اندازد و مخاطب را به چالش نمی‌کشانند؛ امری که نادیده گرفتن آن تأثیر نامطلوبی در فراگیری می‌گذارد و با اصول روان‌شناسی کتاب سالم سازگار نیست.

ابیات و شواهد شعری و آیات قرآنی به کاررفته در کتاب اعراب‌گذاری ندارد، این امر فرایند خوانش را با مشکل مواجه می‌کند. تداخل آرا به وفور در کتاب به چشم می‌خورد. نویسنده در باب سخن از پدیده‌ای به سخنان نویسندگان متعدد استناد می‌کند و اقوال به‌شکلی تسلسلی با اندک توضیحی در متن می‌گنجد که این پدیده فرایند یادگیری را به امری دست‌وپاگیر مبدل می‌کند.

در ادامه این مبحث به برخی از خطاهای چاپی در این اثر اشاره می‌شود:

جدول ۱.

صفحه	نادرست	درست
۵	لا	إلا
۳۱	ولکل	ولکن
۳۱	أمرکا	أمریکا
۴۵	أالیب	أسالیب
۴۵	لو	ولو
۴۵	لللاغة	للبلأغة
۴۵	الس سية	السیاسية
۵۱	کلمه مشخص نیست	لد
۵۳	الخیالی	الخیال
۶۳	أصیح	أصیح
۶۳	عل	علی
۷۵	لشعر	الشعر
۷۷	الحقیق	الحقیقة
۷۷	الاجتماع	الاجتماع
۷۸	ارون	هارون
۱۰۹	الحفظ	الحفظة
۱۰۹	الملئكة	الملائكة
۱۰۹	استعمالهـ	استعمالها
۱۴۱	الجرج	الجرجانی

۳.۱.۲ ارزیابی جامعیت صوری اثر

۱.۳.۱.۲ مقدمه، بیان هدف، فصل بندی، و جمع بندی نهایی

چنان که گذشت، این کتاب حاصل مطالعات نویسنده درباره بلاغت عربی و آموزش آن است. پدیدآورنده تلاش دارد توصیفی جدید از بلاغت جدید ارائه دهد تا هم از یافته‌های علمی جدید بهره‌مند شود و هم برای آموزش مناسب باشد، به همین سبب شایسته و بایسته می‌داند این اصول دریافتی از غرب را اساس کار قرار دهد و بلاغتی جدید توصیف و تدوین کند.

فصول پنج‌گانه کتاب به قرار زیر است:

- فصل اول: بلاغت در ترازوی فرهنگ؛

- فصل دوم: علوم بلاغت عربی؛

- فصل سوم: بلاغت و تجدد؛

- فصل چهارم: نمونه‌هایی از ادبیات جدید؛

- فصل پنجم: پیش‌نهادها.

۲.۳.۱.۲ فهرست مطالب و مراجع

کتاب با فهرست مطالب به پایان می‌رسد که در آن عناوین کلی فصول و بخش‌ها آمده، اما به عناوین فرعی اشاره‌ای نشده است. فهرست منابع و مراجع عربی و انگلیسی قبل از فهرست مطالب قرار دارد و علاوه بر آن در پایان هر فصل منابع کامل آمده است. از آن‌جا که این کتاب جنبه آموزشی دارد، در پایان هر فصل تمرین‌هایی نیز ارائه شده است.

نویسنده ارجاع برون‌متنی را محور ارجاع‌دهی خود قرار داده و به بسیاری از کتب مهم بلاغی استناد کرده است، البته در برخی موارد فقط به ذکر منبع بدون ارجاع و ارجاعی بدون ذکر منبع اشاره شده است.

۲.۲ بررسی محتوایی

۱.۲.۲ تحلیل روش‌شناختی اثر (رویکرد و روش نقدی نویسنده)

نویسنده در مقدمه سه صفحه‌ای کتاب اشاره کرده است که این پژوهش انقلابی در علم بلاغت است نه انقلابی ویران‌گر، بلکه در واقع بازگشتی به پیدایش بلاغت و هدف نخستین

آن است، زیرا به عقیده وی بلاغت در عصر انحطاط تاحدزیادی از اصول خود فاصله گرفته و این جستار در پی بازگرداندن بلاغت به اصل خویش است. او بر این باور است که بلاغت جمال واحدی در هر دوره دارد که باید این راز کشف شود و به اقتضای برهه‌ای که در آن قرار دارد باید تجدد و نوآوری در آن رخ دهد. در ادامه مؤلف فهرست‌وار مهم‌ترین نتایج این کتاب را بیان می‌کند.

۱.۱.۲.۲ فصل اول: بلاغت در ترازوی فرهنگ

در این فصل نویسنده با استفاده از آخرین یافته‌های فرهنگ غربی به دنبال پر بار کردن بلاغت است. از نظر وی، باید افکار و روش‌های جدیدی به این وادی وارد شود. نگارنده تصریح می‌کند در غرب علوم جدیدی پا به عرصه وجود گذاشته‌اند که با بلاغت رابطه دارند. از جمله این علوم می‌توان به انشا، زبان‌شناسی، فلسفه، روان‌شناسی، و نقد ادبی اشاره کرد و به تبع آن این فصل را مشتمل بر پنج باب مجزا می‌داند که در هر کدام جداگانه رابطه بلاغت جدید و این علوم براساس نظریات دانشمندان و نظریه‌پردازان غربی را شرح می‌دهد:

باب اول: بلاغت و علم انشا

علم انشا از علوم جدید غربی است که تکنیک تألیف ادبی را بررسی می‌کند و در حقیقت هدف آن بررسی دامنه انتخاب‌های ادیب، میزان موفقیت او در انتخاب واژگان، و چگونگی هم‌نشینی آن با واژه‌های دیگر در ترکیب است که فقط در دل متن مشخص می‌شود. از این رو، ارتباط ناگسستنی بلاغت و علم انشا در تکیه بر متن محور بودن هردو مشخص می‌شود و در پایان با ذکر تفاوتی جزئی، که باعث تشخیص میان این دو می‌شود، ذهن مخاطب را از یک‌سان‌سازی این دو علم بر حذر می‌دارد. علم انشا نگارش صحیح متون ادبی را از نظر لغوی بررسی می‌کند، حال آن‌که بلاغت با تکیه بر جلوه‌های بیانی و بدیعی در پی افزایش زیبایی متن است.

باب دوم: بلاغت و زبان‌شناسی

محتوای این باب تکیه بر روابط پیچیده و هم‌گون بلاغت و زبان‌شناسی است. در این زمینه با ارائه تعریفی جامع از زبان‌شناسی تجلیات مختلف این علم در سه مقوله فنوتیک، سیمیاالوژی، و مورفولوژی را شرح می‌دهد. مهم‌ترین دغدغه پژوهشی این باب بررسی رابطه بلاغت و علم زبان‌شناسی است و از آن‌جاکه بلاغت عملاً تصویرپردازی‌های کلامی است، پس به‌ناچار ضرورت بررسی زبان، که نخستین وسیله بیانی است، احساس می‌شود.

باب سوم: بلاغت و فلسفه

در این باب ارتباط بین بلاغت و فلسفه، خصوصاً علم استتیک به معنای زیبایی‌شناسی، بیان می‌شود و نویسنده تلاش می‌کند با ذکر سلسله‌مراتب شکل‌گیری و نمو فلسفه در یونان و بیان شاخه‌های سه‌گانه آن یعنی منطق، اخلاق، و استتیک از ارتباط میان این علوم و بلاغت پرده بردارد. بدین شکل که در عصر حاضر فلسفه زیبایی‌شناسی با رویکرد نقدی کانت به بالاترین درجه پیشرفت خود رسیده است. کانت در ارتباط بین فلسفه و بلاغت به نقد ادبی برپایه ذوق قائل است. سپس این رابطه پس از کانت را بررسی می‌کند که نماینده آن کروتشی است. کروتشی علم زیبایی‌شناسی را علم زبان‌شناسی می‌داند و به عبارتی این علم فلسفه زبان است.

باب چهارم: بلاغت و روان‌شناسی

در این باب تلاش شده است ابتدا تعریفی جامع از علم روان‌شناسی و معرفی حوزه‌های مختلف آن ارائه شود. از نظر او، حوزه‌های مختلف این علم با وجود مستقل بودن بسیار به هم مرتبط‌اند و ادامه مهم‌ترین رویکردهای علم نفس را برمی‌شمرد که عبارت‌اند از:

الف) روان‌شناسی باطن‌گرایی: بررسی رفتارهای آگاهانه با تکیه بر رجوع به درون در تبیین علت؛

ب) روان‌شناسی آزمایشگاهی: روش‌یابی در زمینه زندگی عقلی و روانی و رفتار انسانی که فیزیک را به حوزه روان‌شناسی وارد کرد؛

ج) پدیدارشناختی: این رویکرد ترکیبی از دو رویکرد پیشین است؛

د) تحلیل روانی: مؤسس آن فروید روان‌شناس اتریشی بوده است که در تحلیل روانی هر پدیده علت را به نیروی جنسی در ناخودآگاه مرتبط می‌داند؛

ه) روان‌شناسی تحلیلی: مؤسس این رویکرد کارل یونگ سوئیس است که ناخودآگاه را به دو دسته فردی و جمعی تقسیم کرده و از اهمیت عوامل جنسی کاسته است؛

و) نقد تحلیلی روانی: مؤسس این رویکرد گاستون باشلار است که نقش ناخودآگاه و عقده جنسی را در خلق اثر ادبی نادیده نمی‌انگارد و با این حال بر قوه خیال تأکید دارد.

مؤلف در ادامه رابطه روان‌شناسی و علم بلاغت را توضیح می‌دهد. توضیح بیش‌تر این که علمی است که اثر ادبی را برپایه انگیزه‌های درونی تحلیل می‌کند و این امر به علم بلاغت در تفسیر ادبیات و بیان زیبایی آن کمک شایانی می‌کند.

باب پنجم: بلاغت و نقد ادبی

بلاغت و نقد ادبی برادرند که در زمینه تفسیر و تحلیل ادبیات کارکرد یکسانی دارند، با این تفاوت که بلاغت از منظر زیبایی به اثر ادبی می‌نگرد، اما نقد ادبی مشتمل بر حکمی کلی است. به بیان دیگر، اگر نقد ادبی حکم بر جنبه منفی اثر داشته باشد، بلاغت از میدان حذف می‌شود، زیرا بلاغت متأثر از ذوق نقدی و مشتمل بر زیبایی‌شناسی است. سپس مؤلف به تاریخچه‌ای مختصر از نقد اشاره می‌کند و در نهایت نقد را پدر بلاغت می‌داند.

۲.۱.۲.۲ فصل دوم: علوم بلاغت عربی

مؤلف در این فصل بدون ذکر مقدمه‌ای مشتمل بر فحوای فصل وارد باب‌بندی می‌شود. وی سه باب برای این فصل در نظر می‌گیرد و به عبارتی علوم بلاغت عربی را به سه دسته تقسیم می‌کند:

باب اول: تصویرپردازی ادبی

در این مبحث نخست تعریفی از علم تصویرپردازی ادبی ارائه می‌دهد. سپس خاستگاه این علم و دسته‌بندی آن را بررسی می‌کند. تصویرپردازی ادبی ارائه مناظری از طبیعت است. این علم در یونان باستان ریشه دارد. ارسطو نخستین کسی بود که این اصطلاح را به کار برد. وی آن را به کارگیری واژه‌ای در معنای دیگر می‌داند.

باب دوم: مهارت تألیف

مهارت تألیف هم علم و هم فن است. علم است، زیرا تابع قواعد و قوانینی است که باید آن را آموخت و فن است، زیرا بر مواهب ذاتی تکیه دارد. هرگز نمی‌توان حجم معینی از کلمات و قواعد زبانی را به ادیب داد و از وی خواست تا اثری ادبی بیافریند، زیرا وجود انسان بر ذات استوار است و برای رسیدن به درجه مهارت باید برخی علوم را فراگرفت و در جهت غنی‌سازی مواهب درونی گام برداشت.

بنابراین مهارت تطبیق قواعد نیست، زیرا قواعد خود از مهارت پدید می‌آیند. نگارنده در ادامه از تعدادی مهارت نام می‌برد که فوق قواعد و اصول‌اند و نمی‌توان آن‌ها را به قاعده و قانون خاصی محدود دانست، از جمله گزینش واژه‌ها، حذف مسند یا مسندالیه در جمله (در صورتی که طبق قاعده جمله مبتنی بر دو رکن مسند و مسندالیه است)، و مهارت ادیب در کاربرد جملات خبری و انشایی با اهدافی ادبی، قانون‌شکنی در کاربرد ایجاز و اطناب و به عبارتی هنجارگریزی در به‌کاربردن قواعد صرف و نحو و تمامی محسنات بدیعی از جمله ترصیح، سجع، موازنه، و تصدیر.

در ادامه مؤلف منهجی جدید برای این علوم ارائه می‌دهد:

۱. این اسالیب باید از متن ادبیات برگرفته باشند، نه صرفاً قواعدی نظری؛
۲. در خدمت بلاغت باشند، نه این‌که باری بر دوشش؛
۳. با دیدی کلی به زیبایی ادبی بنگرد.

باب سوم: موسیقی شعر

علم موسیقی شعر همان علم عروض است. اوزان خلیلی تا به امروز اقتدار خود را حفظ کرده‌اند، هر چند گاهی شعرای جدید تبصره‌هایی در استفاده از این قوانین در نظر گرفته‌اند و به سرودن اشعار نو روی آورده‌اند. به عبارتی خود را از قید و بند وزن و قافیه رها کردند. این جنبش از عصر عباسی با سروده‌هایی هم‌چون زجل و دوبیتی آغاز شد و تا عصر معاصر ادامه داشت.

از نظر مؤلف، از آن‌روی که پژوهندگان علم بلاغت نمی‌توانند در پی ایجاد این اوزان برآیند، بنابراین باید اوزان قدیمی را بررسی کنند و به قواعد آن مقید باشند و هرکس در این بین گوش موسیقایی داشته باشد، می‌تواند بدون بررسی اوزان فقط به شنیدن آواها اکتفا کند.

۳.۱.۲.۲ فصل سوم: بلاغت و تجدد

این فصل چهار باب دارد:

باب اول: بلاغت جدید

نگارنده در این باب سیر بلاغت را طی ادوار گوناگون بررسی می‌کند. قرآن کریم پوششی از قداست بر بلاغت نهاد، سپس در گیرودار علوم یونانی محبوس آمد. عصر عباسی روح تازه‌ای در آن دمید، لیک در عصر انحطاط به اقتضای وضعیت حاکم بر این دوره دچار رکود شد. بلاغت در سیر تحولی خود با علوم دینی و زبانی ممزوج شده است. از این علوم جدید در غرب زبان‌شناسی است، اما آیا شایسته است که بلاغت باری بر دوش علوم دیگر باشد؟

بلاغت باید به آغوش نقد بازگردد، زیرا انفصال از نقد آن را دچار رخوت کرده است. بنابراین از جمله وظایف بلاغت جدید بازگشت به متون ادبی زیباست. پیش‌نهاد مؤلف در این باب شیوه عبدالقاهر جرجانی بزرگ‌ترین نظریه‌پرداز بلاغت عربی است، اما کنار این بازگشت به تجدید و نوآوری قائل است. از نظر وی، هر دوره به تناسب موقعیت حاکم بر خود حامل میزات بلاغی جدیدی است که ما در این کتاب در پی استخراج آنیم.

باب دوم: بلاغت بین قدیم و جدید

نویسنده کتاب در ابتدای این باب تعریف قدیم و جدید را بیان می‌کند. قدیم نه به معنای قدیم زمانی، بلکه به معنای تقلید و جدید نه در ترازوی زمان، بلکه در قالب ابتکار و ابداع سنجیده می‌شود. بنابراین شکل سنتی بلاغت رویکرد جمله‌محور دارد، حال آن‌که رویکرد بلاغت جدید متن‌محوری است. هنگامی که با جمل زیبایی در متن روبه‌رو می‌شویم، این تمتع از زیبایی در اثر زیبایی الفاظ نیست، بلکه در جمال حاکم بر کل متن ریشه دارد.

باب سوم: نوآوری در نظریات بلاغت قدیم

مؤلف در این باب بلاغت عربی را متأثر از رخوت عصر انحطاط می‌داند. آیا زمان آن فرا نرسیده است که بلاغت به اصل و جوهر واقعی خود بازگردد؟ همان‌گونه که گیاهی برای رشد و نمو نیازمند این است که در سایه پیوند با گیاه اصلی بروید، بنابراین بلاغت جدید نیز باید در مسیر تحول و تجدد خود حامل پاره‌ای از ارزش‌های سنتی خود باشد. در دوره‌های متوالی بسیاری از ایده‌های جدید به‌نوعی طی تاریخ تکرار شده‌اند. به بیان دیگر، گاهی عقل بشری مبتکر ایده جدید مشترک در ادوار گوناگون است. برای مثال، خلف الأحمر در عصر خویش بلاغت را نگاهی اجمالی دانست و در رویکرد جدید نیز بلاغت، تلمیح، و ایحا بیان شد. این خود از تکرار ابتکار نبوغ بشری طی سالیان دراز حاکی است. مؤلف در ادامه آرای بزرگان بلاغت در باب تجدد در نظریات بلاغت قدیم را ارائه می‌دهد.

باب چهارم: تجدد در متون شعری قدیم

در این مبحث نویسنده در پی استخراج عناوین تجدد است و در این زمینه باب حاضر را با شاهد مثال شعری از معلقه امرؤ القیس آغاز می‌کند. وی اذعان می‌دارد که نمونه‌های فاخر زیبایی در ادبیات قدیم یافت نمی‌شود و فقط در تجدد بروز می‌یابد.

نگارنده با مقایسه نمونه‌های شعری از شاعران قدیم و جدید بر این نکته اصرار می‌ورزد که تمامی اشعار قدیم عناصر زیبایی دارند، لیکن صور بلاغی در این اشعار تقلیدی و سنتی است. وی بر بلاغت سنتی خط بطلان نمی‌کشد، بلکه معتقد است بلاغت قدیم را باید فراگرفت و هر آنچه قدما از آن غافل شدند به آن افزود. بلاغت قدیم بیش‌تر بر پایه توجه به لفظ استوار است و کم‌تر به عبارت (کنایه) یا جمله (تشبیه ضمنی) توجه دارد. به بیان دیگر، بلاغت جدید به متن توجه دارد و بیش‌تر در پی کشف زیبایی جمله‌ها و عبارات است و کم‌تر به لفظ توجه دارد و این‌گونه بلاغت جدید بلاغت قدیم را تکمیل می‌کند.

برترین ویژگی‌های علمی کتاب حاضر به‌زعم نگارندگان به قرار زیر است:

- تألیف کتاب درسی بلاغی که انعکاس‌دهنده سیر بلاغت قدیم و رویکردهای بلاغت جدید باشد جای خالی بسیاری از نیازهای آموزشی را پر می‌کند، سطح علمی دانشجویان را ارتقا می‌دهد، و آنان را با فضای تحولات بلاغی آشنا می‌کند؛
 - خلیل کفوری در نحو بلاغه جدید در تلاش است رویکرد بلاغت جدید را در ترازوی جدیدترین دستاوردهای بلاغت غرب تبیین کند و هدف اساسی خود را لذت هنری معرفی می‌کند. او توانسته است تا حدودی هدف خود را تحقق بخشد؛
 - مؤلف با تیزبینی تحسین‌برانگیز غالب سؤالاتی که در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد یادآور می‌شود و در قالب پاسخ به آن سؤال‌ها بحث موردنظر خویش را پیش می‌گیرد؛
 - مؤلف در کتاب خود رویکردی متفاوت در پیش گرفته است و برخلاف دیگر کتب بلاغی شاهد مثال‌هایی نوین و ملموس‌تر از شاعران جدید را به کار می‌بندد؛
 - گرایش متوازن به هر دو بعد نظریه‌پردازی و عمل‌گرایی، تلاش در تطبیق عملی رهیافت‌های نظری نویسنده، و به‌کارگیری آن در تحلیل متون ادبی به‌ویژه قرآن کریم و شعر و نثر معاصر عربی؛
 - در این کتاب و به‌ویژه در فصل چهارم آن با هدف تبیین جایگاه بلاغت جدید در میان ادبیات معاصر، انتخاب آیات زیبایی از قرآن نمایان‌گر دل‌بستگی و تعلق خاطر ایشان به دین اسلام و سازواری محتوای علمی اثر با مبانی و اصول دینی و اسلامی است.
- کنار تمام محاسن اثر، نارسایی‌هایی نیز در آن مشاهده می‌شود که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- اطلاعات مربوط به شناس‌نامه کتاب کافی نیست و جزئیات مربوط به شماره چاپ، محل، و سال نشر را ندارد؛
 - جلد کتاب از نظر ظاهر الهام‌بخش محتوای بلاغی کتاب نیست؛
 - اعراب‌گذاری نکردن ابیات و شواهد شعری به‌کاررفته در کتاب؛
 - تداخل آرا به‌وفور در کتاب به‌چشم می‌خورد. نویسنده در باب سخن از پدیده‌ای به سخنان نویسندگان متعدد استناد می‌کند و اقوال به‌شکلی تسلسلی و با اندک توضیحی در متن می‌گنجد، که این پدیده در فرایند یادگیری به امری دست‌وپاگیر مبدل می‌شود؛

- کاربرد بعضی نمونه‌های عامیانه در فصل پنجم کتاب که مخل فهم خواننده است؛
- این اثر در نگاهی کلی در چهارچوب اصطلاحات برگرفته از بلاغت غرب محصور شده است و به‌واقع کتاب قالبی تعلیمی به خود گرفته، به‌طوری که از رسالت خود مبنی بر جمال و تمتع فاصله گرفته است. رویکرد غربی نگاه غالب در این کتاب است. برای مثال استعاره‌های فراوانی در نگاه‌های نوین بلاغت وجود دارد. جایگاه معانی نیز متفاوت است و از زاویه‌ای دیگر نگریسته می‌شود، لیکن خلیل کفوری فقط به بیان این تفاوت‌ها و تنیدگی‌ها با رویکرد سنتی اشاره‌ای چشم‌گیری نداشته است؛
- ازدیاد استعمال اصطلاحات انگلیسی در متن کتاب به‌ویژه در فصل اول؛
- معادل‌یابی نکردن بسیاری از اصطلاحات انگلیسی؛
- برجسته‌نکردن آیات قرآن کریم و رعایت‌نکردن نگارش اصولی آیات؛
- نویسنده ارجاع برون‌متنی را محور ارجاع‌دهی خود قرار داده است، اما در بعضی از صفحات ارجاع درون‌متنی دیده می‌شود که این امر نقش به‌سزایی در اخلال نظم‌دهی به صفحات داشته و شکل ظاهری کتاب را آشفته کرده است؛
- هم‌چنین در برخی موارد نویسنده معادل عربی مناسبی برای اصطلاح تخصصی انگلیسی بیان نکرده است، مثلاً در صفحه ۴۲ کلمه «السماتیک» و در صفحه ۴۵ کلمه «الاستتیک». البته این نکته را باید یادآور شد که نویسنده توضیحی برای مفهوم این کلمات آورده، اما معادل عربی ذکر نشده است. باوجوداین که معادل‌های عربی اصطلاحات خارجی در متن کتاب مورد اشاره قرار نگرفته است، جای خالی نمایه‌ای از مجموع آن‌ها در پایان کتاب احساس می‌شود.

۳.۲ میزان تناسب و جامعیت محتوای اثر با سرفصل‌های برنامه درسی

با استناد به این که طبق آخرین سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای درس بلاغت در مقطع کارشناسی ارشد مبحث «بلاغت قدیم و بلاغت جدید و تفاوت‌های آن دو» گنجانده شده است، بنابراین کتاب مذکور منبعی کمکی برای این مقطع قابل‌پیش‌نهاد است. ویژگی بارز این کتاب برخورداری از دیدگاه نوین و رویکردهای بلاغت جدید بوده است، مسئله‌ای که بر غنای علمی این اثر می‌افزاید و این قابلیت را به آن می‌دهد تا در حکم منبع اصلی در مقطع دکتری مطرح شود.

این کتاب می‌تواند منبعی مناسب برای تدریس بلاغت به‌کار گرفته شود. البته با غنی کردن منابع آن و افزودن فهرست‌های تخصصی مانند فهرست اعلام و فهرست شواهد و آیات می‌توان سطح کیفی آن را ارتقا داد. هم‌چنین از نظر محتوایی می‌توان با گسترش مقدمه و ضمیمه کردن مطالبی هرچند اجمالی درباره بلاغت قدیم قدمی مثبت در جهت ارتقای آن برداشت.

معادل‌یابی مناسب واژگان و بیان اصطلاحات انگلیسی می‌تواند بر غنای این کتاب آموزشی بیفزاید. هم‌چنین پیش‌نهاد می‌شود به‌منظور کاستن از حجم زیاد اصطلاحات انگلیسی در متن، پاره‌ای از آن‌ها به پانوشت منتقل شود.

هم‌چنین با حذف قسمت‌هایی از مسائل نظری کتاب و افزودن مثال‌های بیش‌تر می‌توان به کارآمد بودن کتاب کمک بسیاری کرد.

۱.۳.۲ میزان انطباق محتوا با عنوان و فهرست آن

عنوان این کتاب با محتوای آن انطباق کامل دارد و از آن‌جاکه تجلی رویکرد نوین بلاغت با تکیه بر یافته‌های بلاغت غرب با هدفی غیرتعلیمی و صرفاً لذت‌هنری شیوه‌اساسی نویسنده است، در همه فصول محتوای مطالب نگاشته‌شده با عنوان مبحث انطباق کامل دارد. نظام منطقی در طرح مطالب هر بخش و دسته‌بندی کلی مفاهیم و مطالب به‌خوبی انجام شده است.

۲.۳.۲ نظم منطقی و انسجام مطالب درون هر فصل و در کل اثر

همان‌طورکه در پیش‌آمد، این کتاب یک مقدمه و پنج فصل دارد و هریک از فصول نیز مشتمل بر تعدادی باب است. انساج مطالب در کل اثر بسیار خوب ارزیابی می‌شود. نویسنده از حشو و تطویل به‌دور بوده است. هر فصل دربردارنده موضوعات موردانتظار بوده است، اما در بعضی مباحث پراکنده‌گویی دیده می‌شود. مباحث گنجانده‌شده در هر فصل نظم منطقی و انسجام مطلوبی دارد و پیوستگی مطالب مناسب است.

۳.۳.۲ رعایت بی‌طرفی نگارنده در نقد و رعایت امانت علمی

نویسنده در این زمینه حساسیت لازم را داشته و در ارجاع‌دهی دقیق عمل کرده است. منابع مورد استفاده در کتاب از نظر علمی ارزش‌مند و موجه است و از آن‌ها برای تبیین موضوعات مورد بحث به‌قدر کفایت استفاده شده است. هم‌چنین امانت علمی در بهره‌برداری از آن‌ها رعایت شده است، اما در پاره‌ای موارد فقط به ذکر منبع بدون ارجاع و ارجاعی بدون ذکر منبع اشاره شده است. کاستی مذکور در فصل پنجم به‌وفور مشاهده می‌شود.

نقد و بررسی‌ها در این اثر دارای وزانت علمی است و بی‌طرفی علمی تحلیل‌های آن به‌خوبی مراعات شده است.

۴.۳.۲ میزان دقت در استنادات و ارجاعات

این اثر در تلاش است مباحثی چون آموزش بلاغت مدرن و رابطه علم بلاغت با سایر علوم را توضیح دهد. لاجرم تجسم این موارد در قالب کتاب به روزآمدی داده‌ها و اطلاعات منوط است که نویسنده این مبحث را به‌درستی رعایت کرده و از به‌روزترین نظریه‌ها و منابع استفاده کرده است. البته بخشی از رویکردهای قدیم در چهارچوب مقدمه را بررسی نکرده است، اما آنچه در کتاب مطرح شده حاکی از تلاش مستمر پژوهش‌گر در دستیابی به داده‌ها و اطلاعات روزآمد است.

۵.۳.۲ نوآوری و ارزش علمی اثر

نگارندگان این مقاله به‌ندرت نظریه علمی مستقل و بدیعی، که حاصل تراوش آرا و اندیشه‌های خلیل کفوری باشد به‌گونه‌ای که بتوان آن را طرح افقی نو و خلاقیت ویژه دانست، در کتاب حاضر یافته‌اند که می‌توان به ارائه منجمدی جدید در فصل دوم در جهت مطالعه علوم جدید بلاغی اشاره کرد. کتاب‌های فراوانی در حوزه بلاغت سنتی و نوین نگاشته شده است، اما در زمینه کتاب‌های بلاغی آموزشی کمبود ساختار علمی نو و به‌کارگیری ادبیات علمی روزآمد احساس می‌شود و کتاب حاضر می‌تواند تاحدزیادی پاسخ‌گوی این نیاز باشد. برخی از مباحث عمده این کتاب در میان تألیفات غربی باسابقه است، اما انطباق آن‌ها بر فضای بلاغت عربی بداعت دارد. از دیگر سو، مثال‌ها و تمرین‌های این کتاب تکرار مکررات نیست و نوآوری در این زمینه کاملاً مشهود است. هم‌چنین نویسنده با ذکر رابطه بلاغت جدید با علوم موجود نظیر زبان‌شناسی، فلسفه، و روان‌شناسی طرحی نو در حوزه بلاغت در انداخته است.

۳. نتیجه‌گیری

در این جستار کتاب *نحو البلاغة الجديدة* اثر خلیل کفوری بررسی و نقد شد. جنبه‌های مثبت آن عمدتاً در گرایش متوازن به هر دو بعد نظریه‌پردازی و عمل‌گرایی و تلاش در تطبیق عملی‌ره‌یافت‌های نظری نویسنده، شبکه روابط پیچیده بلاغت جدید و سایر علوم، و ارائه

شاهد مثال‌هایی نوین و ملموس از شاعران ادبیات معاصر و جنبه‌های منفی آن عمدتاً در ازدیاد استعمال اصطلاحات انگلیسی در متن کتاب، به‌ویژه در فصل اول، و عدم معادل‌یابی بسیاری از این اصطلاحات دیده شد.

نویسنده برای تفهیم بلاغت جدید تلاش شایانی کرده و رابطه آن با علوم جدید را بررسی کرده است، اما به‌طور کارآمد نتوانسته این دین را ادا کند و بیش‌تر به صرف نظریه‌ها بسنده کرده و عملاً اقدام درخور توجیهی اجرا نشده است.

کتاب‌نامه

- الجرجانی، عبدالقاهر (۲۰۰۲)، *أسرار البلاغة*، تصحیح احمد عبد العليم البرودنی، القاهرة: دار الکتب المصرية.
- الجرجانی، عبدالقاهر (۲۰۱۱)، *دلائل الإعجاز*، القاهرة: مكتبة نرجس.
- رضایی هفتادزر، غلام‌عباس (۱۳۹۱)، «نقدی بر تصویر هنری از دیدگاه بلاغت سنتی»، تهران: پژوهش‌نامه *تقد ادب عربی*، دانشگاه شهید بهشتی، س ۴، ش ۱.
- ستاریان، مهدی (۱۳۸۱)، «تاریخچه و سیر تحول مطالعات بلاغی»، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۴، ش ۵۰.
- شادی، محمد ابراهیم عبدالعزیز (۱۹۹۱)، *الصورة بين القدماء والمعاصرين*، القاهرة: نشر السعادة.
- عبدالقاهر، حسین (۱۹۸۴)، *تأملی در تعریف بلاغت و مراحل تکامل آن*، بیروت: عالم الکتب.
- عصفور، جابر (۱۹۶۹ م)، *الصورة الفنية فی التراث النقدي و البلاغی عند العرب*، بیروت: دار الکتب.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۶)، «نگاهی انتقادی به مبانی نظری و روش‌های بلاغت سنتی»، گیلان، فصل‌نامه *تخصصی زبان و ادبیات فارسی ادب‌پژوهی*، ش ۳.
- کفوری، خلیل (۱۹۹۴)، *نحو بلاغت جدید*، بیروت: نداف.
- مزیدی، پروین (۱۳۹۲)، «رویکرد عبدالقاهر جرجانی به بلاغت مقایسه‌ای با برخی نظریه‌پردازان مدرن»، *دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی صحیفه مبین*، ش ۵۴، س ۱۹.
- مشرف، مریم (۱۳۸۶)، «نظم و ساختار در نظریه بلاغت جرجانی»، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۵۴.

Bostad, Finnetal, Bakhtinian Perspectives on Language and Culture: Meaning in Language, Art and New Media, Chippenham and Eastbourne, Antony Rowe Ltd.

Hochmuth, Marie (1952), "Kenneth Burke and the New Rhetoric", *Quarterly Journal of Speech*, vol. 38 (2).